

## بسم الله الرحمن الرحيم

تاریخ : 1386/09/12

### اختلاف در انتساب کتاب فقه الرضا :

اختلاف است که اصلاً فقه الرضا منسوب به امام رضا علیه السلام است یا همان فتاوای ابن بابویه پدر شیخ صدوق است، چند سال قبل که بنده تحقیقی در این باره داشتم، آنچه که برای بنده ثابت شد این بود که حتی يك درصد هم نتوانستم اعتماد پیدا کنم که این کلام امام هشتم سلام الله علیه باشد یعنی این کتاب شبیه کتاب حدیثی نیست و اگر کسی با روایات معصومین انس گرفته باشد کاملاً به این نتیجه می رسد که این کتاب مجموع فتاوا است نه روایت و در واقع لحن کتاب روایی و حدیثی برای انسان کاملاً مشخص است و اضافه بر این، عین عبارت ابن بابویه با همین الفاظ و همین ترکیب و سیاق در کتاب های شیخ صدوق و شیخ طوسی که از ابن بابویه نقل می کنند، آمده است. علی ای حال در مستدرک، جلد 4، صفحه 26 سه روایت را ایشان نقل می کنند.

### روایات ابن بابویه در فقه الرضا پیرامون تثویب در اذان :

روایت اول (حدیث 4139) این است که:

فقه الرضا قال بعد ذکر فصول الاذان لیس فیها ترجیع و لاتردّد و لا الصلوة خیر من النوم

در فقه الرضا این گونه آمده است که بعد از ذکر فصول اذان (اجزاء اذان) رجوع و بازگشت (به اجراء قبلی) و نیز

الصلوة خیر من النوم نیست

مستدرک الوسائل، میرزای نوری، ج 4، ص 44.

ببینید اصلاً لحن این عبارت خود می گوید که فتوا است نه روایت، این روایت در چاپ جدید مستدرک که آل البیت چاپ کرده در صفحه 6 قرار دارد.

**الصلوة خیر من النوم بدعت بنی امیه است :**

روایت دوم (حدیث 4140) از زید نرسی است:

عن زید النرسی فی أصله عن ابی الحسن علیه السلام قال الصلوة خیر من النوم بدعة بنی امیه لیس ذلك من أصل الاذان و لا بأس اذا اراد الرجل ان ینبه الناس للصلوة أن ینادی لذلك و لایجعله من أصل الاذان فإنا لانراه اذاناً

زید نرسی بر اساس اصول خود از ابالحسن علیه السلام روایت نموده است که حضرت فرمودند: الصلوه خیر من النوم در اصل اذان نبوده و از بدعت های بنی امیه است. ولی اگر کسی قصدش این بود تا به این وسیله مردم را برای نماز با خبر سازد اشکالی ندارد تا این جمله را بگوید ولی نباید آن را از اجزاء اذان بداند زیرا به اعتقاد ما آن از اذان نیست.

مستدرک الوسائل، میرزای نوری، ج 4، ص 44.

الصلوة خیر من النوم از بدعت های بنی امیه است، ولی اشکالی ندارد که اگر کسی خواست افرادی را برای نماز دعوت کند بگوید: الصلوة خیر من النوم (یعنی به قصد دعوت مردم و به عنوان کلام شخصی نه به قصد اذان) و این را جزء اذان قرار ندهد، چرا که ما اهل بیت آن را جزء اذان نمی دانیم. مستدرک، جلد 4، صفحه 44 - أصل زید نرسی، صفحه

این قسمت روایت (لا بأس إذا أراد الرجل ان ينبه الناس للصلوة أن ينادي لذلك) روایت امام صادق علیه السلام را که فرموده بود: (كان ابي عليه السلام ينادي في بيته «الصلوة خير من النوم») را بیشتر باز می کند و می گوید: اگر کسی الصلوة خير من النوم بگوید لکن نه به قصد اذان مانعی ندارد.

### گفتن الصلوة خير من النوم براي بيدار کردن ديگران از خواب :

روایت سوم هم از زید نرسی است که می گوید:

عن ابي الحسن عليه السلام: لمن أراد أن يؤذن الناس بالصلوة و ينتبههم قبل الفجر فلا يؤذن و لكن فليقل و ينادي بالصلوة خير من النوم يقولها مراراً و إذا طلع الفجر أدن.

از ابالحسن علیه السلام روایت شده است که فرمودند: کسی که می خواهد قبل از طلوع فجر مردم را برای نماز با خبر سازد نباید اذان بگوید بلکه باید الصلوة خير من النوم را چند مرتبه تکرار کند و بعد از آن که فجر طلوع کرد اذان بگوید.

مستدرک الوسائل، میرزای نوری، ج 4، ص 44.

پس اگر کسی بخواهد افراد را قبل از نماز صبح بيدار کند برای نماز خواندن، اشکالی ندارد که چندین بار بگوید الصلوة خير من النوم و وقتی که فجر دمیده شد رسماً اذان بگوید. از این دو روایتی که از زید نرسی نقل می کنند و اگر چنانچه واقعاً کتاب نرسی همان باشد که در عصر معصوم نوشته شده و طریق وصول این کتاب معتبر باشد، روایت صحیحه است و اگر هم بگوئیم مشکل دارد باز هم با توجه به این که ما در روایات صحیح هم شبیه اینها را داشتیم از باب یؤید بعضه بعضاً این دو روایت مشکلی پیدا نمی کند.

عرض کردیم که روایاتی را که از اصول روات نقل می کنند مثل اصل زراره یا از اصل محمد بن مسلم و یا از اصل نرسی، چون این اصول، اصول مشهوره بوده و در اختیار عموم مردم بوده و همه با این کتب آشنائی داشتند، طریق به این اصول اگر ذکر هم شود از باب تبرک و تیمن است همان طور که در حال حاضر اگر کسی مثلاً از کافی مطلبی را نقل می کند لازم نیست که سلسله سند آن را بیاورد چراکه کافی در اختیار همه است. علی ای حال این دو روایت صراحت دارد بر این که اگر کسی الصلوة خیر من النوم را بدون قصد اذان بگوید هیچ اشکالی ندارد ولی در مورد گفتن آن در داخل اذان، حضرت فرمود: انا لانراه اذناً. با توجه به این بینیم روایت مرحوم صاحب جواهر می خواهد چه بگوید؟

### ادله صاحب جواهر بر عدم مشروعیت الصلوة خیر من النوم :

اما ادله ای که مرحوم صاحب جواهر اقامه می کند بر عدم مشروعیت الصلوة خیر من النوم:

اول روایتی است که امام علیه السلام فرمود: «مانعرفه» و صراحت دارد بر این که ما تثویب را نمی شناسیم.

دلیل دوم آن است که روایاتی که جبرئیل به نبی مکرم اذان گفتن را آموزش داد و معصومین خط به خط اذان را نقل کرده اند و ما آنها را آوردیم، هیچ يك از این روایات متضمن الصلوة خیر من النوم نیست و امام هم در مقام بیان بوده و اگر چنانچه الصلوة خیر من النوم تشریح شده بود امام باید به آن اشاره می کرد. سپس صاحب جواهر می گوید:

في خبر محمد بن مسلم «كان ابي ينادي في بيته الصلوة خیر من النوم» مع احتمال التقيه لا دلالة فيه علي أنه يفعل

ذلك بأحد المعاني السابقة

آنچه در خبر محمد بن مسلم (از امام صادق علیه السلام) ذکر شد که پدرم در خانه ندای الصلوة خیر من النوم می داد احتمال تقیه دارد و دلالتی بر این ندارد که آن را بر اساس یکی از معانی سابق انجام می داده است.

جواهر الکلام، شیخ جواهری، ج 9، ص 114.

یعنی اضافه بر این که بوی تقیه می آید هیچ قرینه ای در روایت نیست که ما از آن استفاده کنیم که امام علیه السلام اینها را به قصد اذان می گفته است.

سومین دلیل آن است که روایت زید نرسی که از امام کاظم علیه السلام نقل می کند که «الصلوة خیر من النوم بدعة بني امیه» صراحت دارد بر بدعت بودن الصلوة خیر من النوم.

اما در پاسخ به این که این روایت با روایتی که صراحتاً می فرمود: نداء و تثویب از سنت است و از طرفی هم سنت ظهور در سنت پیامبر دارد، در تضاد است، می گوید: اولاً فاضل هندی در کشف اللثام می فرماید: اصلاً ما معنای نداء و تثویب را نفهمیدیم که چیست؟ و مراد معصوم از «النداء و التثویب فی الاقامة من السنة» برای ما روشن نیست؛ اگر می فرمود در اذان، باز هم قابل توجیه بود چرا که معمولاً اذان را با صدای بلند می گویند و همین طور «التثویب من السنة» نیز نامعلوم است. آیا به معنای دعوت مجدد است یعنی بگوئیم اذان دعوت اول است و اقامه دعوت دوم و سپس دعوت دیگری با اقامه یعنی الرجوع الی الدعوة من السنة؟ شیخ طوسی می فرماید: این روایت حمل بر تقیه می شود شاید کسانی بوده اند که در اقامه الصلوة خیر من النوم می گفتند و امام به جهت تقیه و حفظ جان خود و شیعیان فرموده که این از سنت است.

سپس خود صاحب جواهر در ادامه می افزاید: ما می گوئیم که نه حمل بر تقیه است و نه این که نفهمیدیم بلکه مراد از «من السنة» یعنی سنت اهل بدعت است و در ادامه می گوید:

بل ینافیه ما فی المعتمر عن کتاب البزنطی عن عبدالله بن سنان عن الصادق علیه السلام إذا كنت فی أذان الفجر فقل  
الصلوة خیر من النوم بعد حی علی خیر العمل و قل بعد الله اکبر لا اله الا الله

بلکه این مطلب منافات دارد با آنچه که در کتاب «المعتمر» از عبد الله بن سنان از امام صادق علیه السلام روایت شده است که هنگامی که اذان فجر می گویی بعد از حی علی خیر العمل بگو الصلوه خیر من النوم و بعد از آن او مرتبه الله اکبر و در نهایت لا اله الا الله بگو.

جواهر الکلام، شیخ جواهری، ج 9، ص 114.

البته این فرمایش صاحب جواهر خیلی هم محکم نیست چرا که ما باید ببینیم که آیا اموی ها این چنین سنتی داشته اند یا نه؟ کما این که حمل بر تقیه نیز شرطش آن است که ببینیم در زمان امام این فتوی در میان مردم مشهور بوده است؟ نه هر چه را که مخالف با فتاوی اهل سنت شد بتوان حمل بر تقیه کرد مثلاً اگر روایت امام سجاد علیه السلام با فتوای شافعی موافق در آمد نمی توان گفت که این روایت حضرت از روی تقیه صادر شده چرا که امام سال 96 هجری به شهادت رسیده است و شافعی متوفای 204 هجری و این اصلاً همخوانی ندارد. در این مورد هم ما نمی توانیم بگوئیم که این از سنت اموی ها بوده چرا که در میان اهل سنت اصلاً تثویب در اقامه نداریم و اینها هم جائز نمی دانند. پس ما یا باید فرمایش کشف اللثام را بپذیریم یا همان که بنده عرض کردم که تثویب یعنی تکرار دوباره اقامه و دعوت مجدد مردم برای نماز.

صاحب جواهر نکته دیگری در باره این روایت دارد و آن این که: با توجه به این که در این روایت در اذان «لا إله إلا الله» یک مرتبه آمده و با توجه به این که مشتمل بر «حي علي خير العمل» است به این نتیجه می‌رسیم که روایت از روی تقیه صادر شده است. سپس می‌گوید: آقای محقق در شرائع مشهور و مشهور تر درست کرده و گفته:

التثویب روایتان أشهرهما ترکه لکن فیہ آنہ لا شهرة عمل فی رواية ثبوته و لا رواية بل هي من الشواذ أو الاخبار اللتي دسها اهل الباطل.

تثویب دو روایت دارد که مشهور تر ترك تثویب است لکن اشکالی که وجود دارد این است که این عمل شهرتی میان آنها نداشته است و ثابت نشده و از موارد شاذ و نادر بوده و یا از روایاتی است مورد دسیسه اهل باطل قرار گرفته است.

جواهر الکلام، شیخ جواهری، ج 9، ص 115.

مرحوم صاحب جواهر می‌فرماید: آقای محقق شما به چه علت در اینجا اشهر و مشهور درست کرده اید؟ ما چندین روایت داریم که فصول اذان را برایمان معین کرده، روایت می‌گوید: «لانعرفه» و این که این از سنت بنی امیه است، اما شما یک روایت شاذ را اشهر و آن روایات را مشهور درست کرده اید، این از شما بعید است که در اینجا این گونه اشهر و مشهور بسازید!